

ترجمه در عهد قاجار

از آغاز تا دوره ناصرالدین شاه

جمشید کیانفر

عباس میرزا نایب السلطنه ترجمه شده) و آیین نامه‌های مانوور پیاده نظام.^۳

این دوره، علاوه بر مترجمان فرنگی که به فارسی ترجمه می‌کردند، مترجمان ایرانی پرکار و ارجمندی پرورش داد مانند میرزا عیسی خان گروسی، میرزا علی قلی کاشانی، مادروس خان و ... «که ترجمه‌های آنها، چه کمی و چه کیفی، لایق هرگونه تحسین و آفرین هستند».^۴

در بررسی کتابهای ترجمه شده به فارسی در دوره قاجار تعداد قابل توجهی کتاب ملاحظه می‌شود که از ترکی عثمانی به فارسی درآمده‌اند. نخستین این ترجمه‌ها حوادث نامه نام دارد که به سال ۱۲۲۲ هـ.ق. توسط محمدرضی تبریزی به فارسی ترجمه و به عباس میرزا اهدا گردید. موضوع این کتاب جنگهای ناپلئون پادشاه فرانسه با دول نمچه (= نمسه، اتریش) و روسیه در سال ۱۲۲۰ است. این کتاب پس از شکست عباس میرزا از سپاه روسیه به فارسی درآمده است.^۵

پس از حوادث نامه که ظاهراً نخستین ترجمه به فارسی در دوره قاجار است، از لحاظ تقدّم زمانی به کتاب تاریخ اسکندر می‌رسیم که در سال ۱۲۲۸ هـ.ق. توسط جیمز کمل انگلیسی به فارسی برگردانده شده است. مترجم در مقدمه نوشته است که «این کتاب را به دستور عباس میرزا از کتب مختلف ترجمه و گردآوری کرده‌ام».^۶ این کتاب در سال ۱۲۶۳ هـ.ق. با تاریخ

حاشیه:

- ۱) سیدعبدالله انوار، فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی ایران، ج ۴، مقدمه.
- ۲) تاریخ سرجان ملک، باب ۲۴، ص ۱۹۱.
- ۳) سفرنامه دروویل، ص ۱۷۶، منقول در تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران، تألیف حسین محبوبی اردکانی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ج ۱، ص ۲۲۵.
- ۴) سیدعبدالله انوار، همانجا.
- ۵) حوادث نامه، نسخه خطی کتابخانه ملی ایران.
- ۶) تاریخ اسکندر، نسخه خطی کتابخانه ملی ایران.

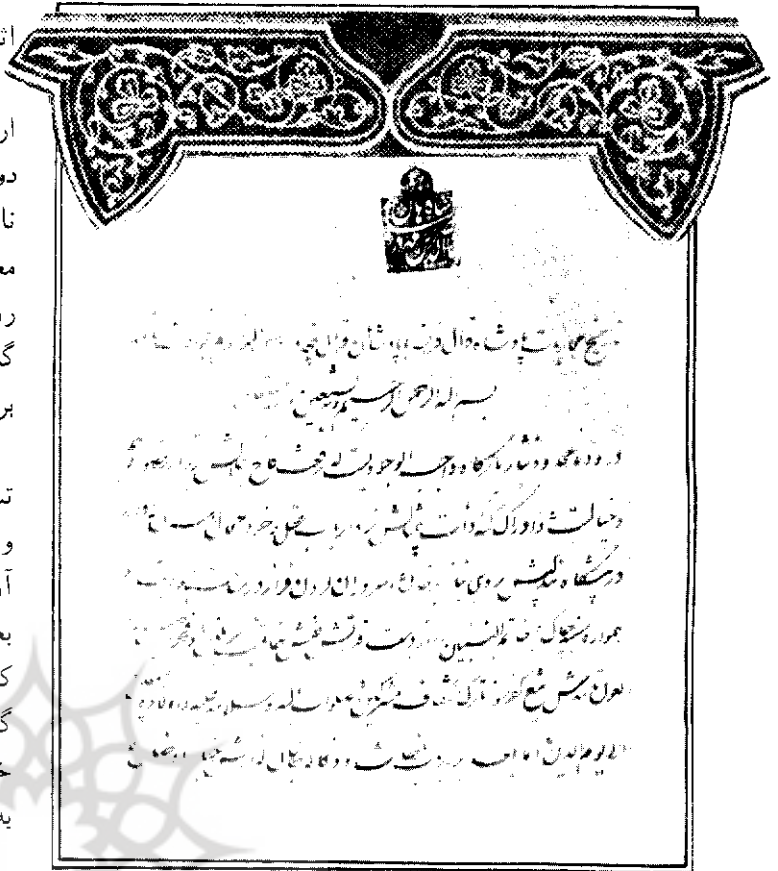
هدف ما در این نوشته بررسی کار ترجمه در دوره قاجار است که در دوران ولایتعهدی عباس میرزا نایب السلطنه در تبریز آغاز شد و در روزگار سلطنت ناصرالدین شاه به اوج رسید. علت توجه عباس میرزا و وزیر فرهیخته و دورانیشش قائم مقام فراهانی به ترجمه از زبانهای اروپایی به فارسی تحولات نظامی آن زمان و نیاز عمده سپاه آذربایجان به کتابهای فنی و نظامی برای ادامه جنگ با روسیه بود. در عین حال برای آنکه زمامداران وقت از اوضاع جهان بی اطلاع نباشند تعدادی کتاب تاریخی و جغرافیایی و سفرنامه خارجی به فارسی ترجمه شد و نیز کتابهایی تألیف شد که شامل اطلاعاتی درباره کشورهای اروپایی بود. کتاب تحفة العالم که میرعبداللطیف شوشتری در ۱۲۱۶ هـ.ق. تألیف کرده، یا مرآت الاحوال جهان نما اثر آقا احمد کرمانشاهی که در ۱۲۲۴ ق، هشت سال پس از تحفة العالم به رشته تحریر درآمده (و شمه‌ای از اوضاع و احوال اروپا و سلاطین و مردم کشورهای آن قاره در آن آمده است) و یا سفرنامه‌های میرزا صالح شیرازی و میرزا ابوالحسن خان ایلچی از این جمله‌اند.

تعداد قابل توجهی از نخستین ترجمه‌های دوره قاجار کار فرنگی‌هاست و حتی برخی از آنها نخست به ترکی استانبولی ترجمه شده و بعد از آن زبان به فارسی برگردانده شده‌اند. غالب این ترجمه‌ها که به‌سرآغاز رابطه فرهنگی ایران با کشورهای اروپایی تعلق دارند، چندان دقیق ترجمه شده‌اند که خواننده به حیرت درمی‌آید و «خواننده صاحب نظر به جای خامی و سستی هر کار ابتدایی، بالعکس، در بیشتر آنها رزانت و صلابت و پختگی کامل می‌بیند».^۱ از آن جمله است: مختصری از قواعد کاپرنیکس با شرح نیوتان^۲، کتابهای نظامی گیبرت (که به فرمان

سالها تهیه شده و در ۱۲۵۷ ه.ق. به چاپ رسیده رساله قورخانه اثر محمدباقر تبریزی است.

از نخستین ترجمه‌هایی که به دست یک ایرانی از یک زبان اروپایی به فارسی انجام گرفته باید از ترجمه تاریخ تنزل و خرابی دولت روم به دست میرزارضای مهندس باشی به سال ۱۲۴۷ ه.ق. نام برد. مؤلف کتاب، گیون [و به قول مترجم: گیان] از معروفترین مورخان اروپایی است که علل انحطاط امپراتوری روم را بررسی کرده و یکی از منابع عمده را در این زمینه به جا گذاشته است. این کتاب نشان‌دهنده نوع کتابهایی است که برای ترجمه انتخاب می‌شده‌اند.^۸

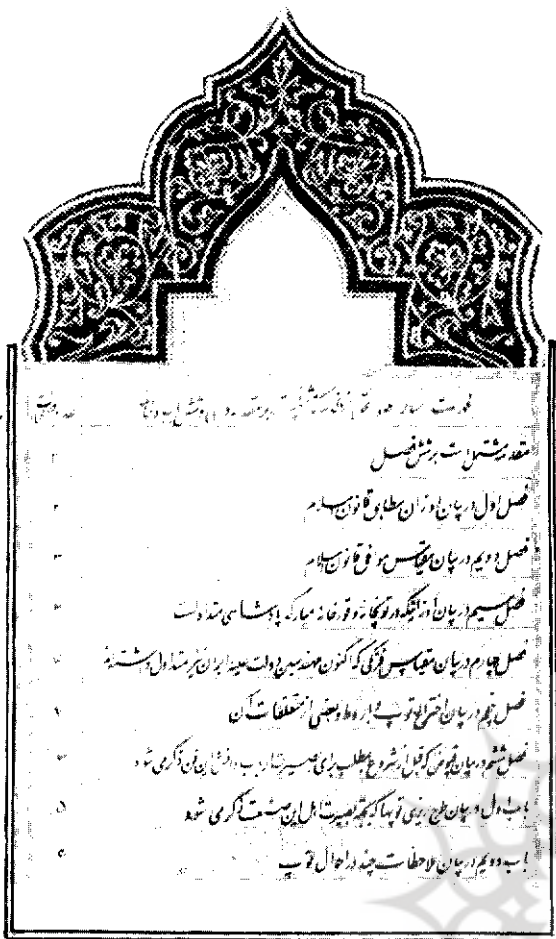
میرزارضا از جمله پنج نفری است که به سال ۱۲۳۰ ه.ق. به تشویق عباس میرزا برای تکمیل تحصیلات به اروپا گسیل شدند و به قول روانشاد مجتبی مینوی «اولین کاروان معرفت» را پدید آوردند. میرزارضا پس از بازگشت به ایران مهندس توپخانه شد و بعدها بنای مدرسه دارالفنون را از روی نقشه عمارت وولپج لندن - که عمارتی نظامی بود - طرح کرد، و پس از انجام مأموریت‌های گوناگون در ۹۶ سالگی در تهران درگذشت. میرزارضا بیشتر عمر خود را به ترجمه از زبان انگلیسی به فارسی گذراند و آثار بسیار به جا گذاشت مثل:



پترکبیر و شارل دوازدهم اثر ولتر یکجا به چاپ رسید. در این چاپ دو یادگار مهم به چشم می‌خورد: اثری از میرزا ابوالحسن کاشانی نقاش که صورت پترکبیر است، و نقشه اروپا عمل موسی سمینوف افسر فرانسوی از همراهان ژنرال گاردان که در ایران ماند و در سپاه محمدشاه به درجه سرلشکری رسید.

اما توجه عباس میرزا تنها معطوف به کتابهای تاریخی نبود، بلکه چنانکه دیدیم به ترجمه کتابهای نظامی و نیز بهداشتی هم توجه داشت. کتاب تعلیم نامه در اعمال آبله‌زدن از آن جمله است. اصل این کتاب را دکتر کرمیک (Cormich) پزشک عباس میرزا به انگلیسی تألیف کرده بود^۹ و میرزا محمدبن عبدالصبور خوبی طبیب، پدر ناصرالحکمای خوبی آن را به فارسی ترجمه کرد. این کتاب که در ۱۲۴۵ ه.ق. در «باصمه‌خانه دارالسلطنه تبریز» به چاپ رسیده شاید نخستین اثر پزشکی جدید به زبان فارسی باشد. این کتاب در صدارت میرزاتقی‌خان دوباره چاپ شد و می‌نماید که نخستین کتاب «تجدید چاپی» در ایران باشد. از مترجم این کتاب یعنی میرزا محمد یا ملا محمدبن عبدالصبور کتاب دیگری به نام تشریح البشر و توضیح الصور (در پزشکی) به سال ۱۲۷۳ ه.ق. همراه با تصاویر بسیار چاپ شده است که نوعی ترجمه و تألیف است. ترجمه و تألیف دیگری که در همان





۱) تاریخ تنزل و خرابی دولت روم، که به آن اشاره شد. ترجمه این کتاب به دستور عباس میرزا انجام گرفت و تنها ترجمه جلد اول آن موجود است لذا به درستی روشن نیست که تمامی کتاب را ترجمه کرده بوده است یا نه.

۲) تاریخ ناپلئون اول اثر والتر اسکات. میرزارضا این کتاب را به دستور محمدشاه ترجمه کرد. او در مقدمه آورده است که: «در اوانط جمادی الاول من شهر سنه ۱۲۵۲ هجری که رایات نصرت آیات به عزم تنبیه ترکمانان ضالّه شقاوت بنیان و مفسدین صحاح خبیبه [خیوه] و اترک و گرگان، شقه گشا یافت و ساحت فیوزکوه محل نزول موبک فلك فرسا بود، کمترین بنده جان نثار و مین غلام صداقت شعار، محمدرضا تبریزی را که از عهد مهد العهد... سریر فرمان و سر فدویت بر این آستان بنیان است. فرمودند که چون [کتاب ناپلئون] از زبان فرانسه به انگلیسی ترجمه و تعیین گردیده، از آن لسان به لغت فارسی ترجمه نماید». ابر این میرزارضا به دستور محمدشاه از اردو به تهران بازگشت تا بن مهم را به انجام برساند. این کتاب قدیمیترین اثری است که در ایران درباره ناپلئون به فارسی ترجمه شده است. و با آنکه نسخه‌های متعدد از آن در کتابخانه‌های ملی و مجلس موجود است، پس از گذشت قریب یکصد و پنجاه سال هنوز به چاپ نرسیده است.

۳) صواعق النظام، ترجمه و تألیف میرزارضا مهندس باشی. میرزارضا در ایامی که به همراه محمدشاه در اردوی محاصره هرات به سر می‌برد، به دستور حاجی میرزا آقاسی این کتاب را تألیف کرد و در ۱۲۵۴ ه.ق. پس از مقابله با کتابهای خارجی در تهران، تقدیم محمدشاه نمود. کتاب در «علم ترکیب توپ و خمپاره و ترتیب گلوله و عراده و سایر آلات و ادوات حربیه» است، دارای ۱۵۷ صفحه به قطع رحلی و ۱۸ طرح جالب از قطعات مختلف توپ است.

۴) رساله در فشنگ، ترجمه و تألیف میرزارضا. میرزارضا این کتاب را به دستور حاجی میرزا آقاسی تهیه کرد. کتاب دارای ۸۹ صفحه و ۱۰ طرح رنگی از صحنه نبرد، حمل فشنگ و صحنه تیراندازی توپخانه است. از این کتاب يك نسخه خطی به شماره ۱۰۵۵/ف در کتابخانه ملی ایران موجود است.

۵) تاریخ پطر کبیر. به نوشته استاد مینوی مهندس باشی این کتاب را از انگلیسی ترجمه کرد و میرزا حسن شوکت اصفهانی آن را تحریر و انشاء نمود.^{۱۱} درباره ترجمه این کتاب و اینکه ترجمه به دست چه کسی و یا به دستور کی انجام گرفته است، اختلاف نظر وجود دارد. چنانکه دیده شد مینوی در مقاله «اولین کاروان معرفت» ترجمه را از میرزارضا و تحریر آن را از میرزا حسن دانسته است. مرحوم حسین محبوبی اردکانی، با استناد بر این قول، آن را تأیید کرده و نوشته است: «کتاب ترجمه شده دیگری که باز از آن دوره در دست است تاریخ پطر کبیر است که آن را میرزارضا مهندس باشی، یکی حاشیه:

۷) تاریخ مؤسسات تمدنی جدید... ج ۱، ص ۲۲۷.
 ۸) تاریخ تنزل و خرابی دولت روم، گیبون، ترجمه میرزارضا مهندس باشی، نسخه خطی کتابخانه ملی ایران، شماره ۶۶/ف.
 ۹) مقدمه ترجمه تاریخ ناپلئون، نسخه خطی کتابخانه ملی ایران، شماره ۱۲۸/ف.
 ۱۰) مقدمه صواعق النظام، نسخه خطی کتابخانه ملی ایران، شماره ۱۰۵۳/ف.
 ۱۱) «اولین کاروان معرفت»، یغما، سال ۶، شماره ۹، قسمت پنجم.

انتقال به کتابخانه آستان قدس رضوی در اسفند ۱۳۶۶- به سه چاپ از تاریخ پترکبیر (دو چاپ به دست محمدعلی خان ناظر در تهران و یکی در هندوستان) دسترسی پیدا شد که هر سه چاپ ترجمه موسی جبرئیل است و هیچ جا اسمی از میرزارضا مهندس باشی در میان نیست، شاید که ترجمه او چاپ نشده، از میان رفته است.

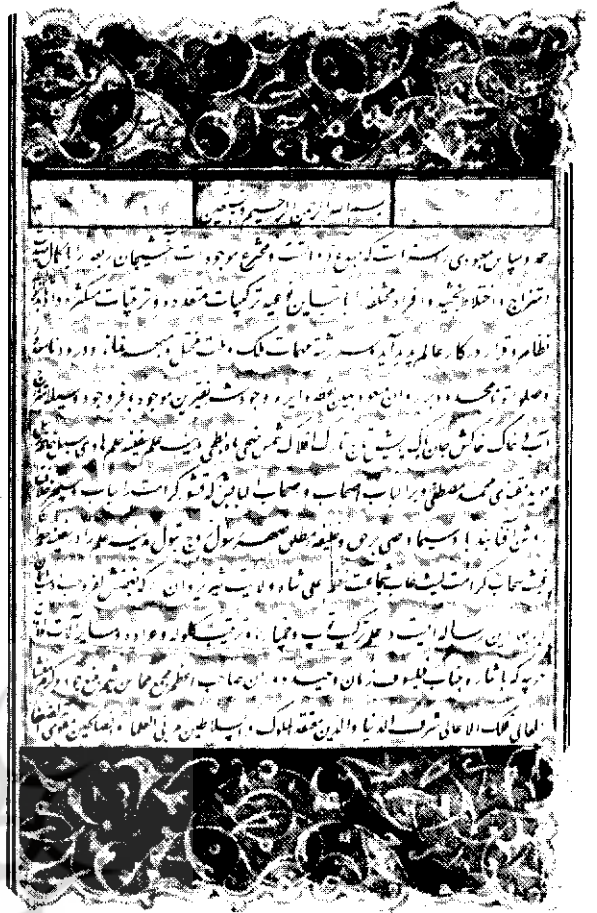
اما داستان ترجمه تاریخ پترکبیر به همین جا ختم نمی شود. محمدرضا فشاھی در مقاله هایی در مجله نگین (سال ۱۳۵۱)، تحت عنوان «نهضت ترجمه در عهد قاجاریه» نوشت: «زجمله بهترین کتبی که در زمان قاجاریه به فارسی ترجمه شد دو کتابی بود که میرزارضا مهندس ... به فارسی ترجمه کرد. عباس میرزا ... ترجمه دو کتاب بسیار خوب از دو مورخ درجه اول اروپا یعنی والتر و ادوارد گیبون را به میرزارضا سفارش کرد». این قول ظهراً ایرادی ندارد. دیدیم که مینوی و محبوبی اردکانی هم ترجمه تاریخ پترکبیر را از میرزارضا دانسته بودند. آنچه محل اِداد است دلیلی است که بر این ادعا آورده شده است. زیرا نویسنده مقاله مقدمه تاریخ اسکندر را گرفته و با اندک جرح و تعیل مقدمه ای از برای مهندس باشی فراهم آورده و آن را از مهندس باشی دانسته است: «میرزارضا مهندس باشی در مقدمه کتاب اسکندر مقدونی (ترجمه) می نویسد: اما بعد، غرض از تسوید این اوراق آن است که به تاریخ هزار و هشتصد و سی و عیسوی مطابق سال هزار و دو بیست و بیست و هشت هجری، اوقاتی که صفحه آذربایجان از فقر وجود میمنت نشان ... شاهزادگان آزاد جوانبخت کامکار و گرامی ... عباس لازال لدین الحق ظهیر و حامیا ... همیشه خاطر ملکوت ناظر اقدسش متعلق بر این بود که از اوضاع و اطوار گذشته و آینده روزگار مستحضر و از وقایعی که اتفاق افتاده باشد مطلع و باخبر باشند ... این بنده کمترین که از جمله چاکران سرکار [بود] ... مأمور گردید که تاریخ مزبور [پترکبیر و شارل دوازدهم اثر والتر] را به لغت فارسی ترجمه و به نظر فیض منظر گماشتگان سرکار والا رسانیده که باعث اطلاع و استحضار خاطر مبارک گردیده شود و ...» (نقطه چین ها در اصل مقاله مذکور به همین شکل است).

اما اصل مطلب که به قلم جیمز کمل مترجم یا محرر فارسی زبان است - زیرا آثار ترجمه شده توسط خارجیان را هم مورخان و محرران درباری به شیوه معمول به القاب و تعارفات می آراستند - چنین بوده است: «غرض از تسوید این اوراق آن است که ... این بنده کمترین جیمز کمل انگلیسی که از جمله چاکران سرکار ... می بود و تاریخی که مشتمل بر احوال و اوضاع اسکندر بود و بعضی دیگر به لغت انگلیسی مرقوم و در میان اهل ایران متداول نبود، مأمور گردید که تاریخ مزبور را به لغت فارسی

از پنج تن مُحصل ایرانی که در زمان عباس میرزا به انگلستان فرستاده شدند، از انگلیسی به فارسی ترجمه و میرزا حسن شوکت آن را انشاء کرده است. این کتاب در ایران و هندوستان به طبع رسیده است». ^{۱۲} گفتنی است که محبوبی اردکانی يك صفحه پیش از آن (ص ۲۲۶) مترجم کتابهای والتر، از جمله تاریخ پترکبیر، را با استفاده از قول محمدعلی خان پسر حاجی بیجن [بیژن] خان، ناظر محمدشاه، موسی [موسیو] جبرئیل معرفی کرده است.

تاریخ پترکبیر همراه با تاریخ شارل دوازدهم اثر والتر و تاریخ اسکندر ترجمه جیمز کمل انگلیسی در ۱۲۶۳ ه.ق. در يك مجلد در تهران چاپ شده و محمدعلی خان ناظر تقریظی بر مجموعه نوشته که در پایان آن آمده و همان مستند محبوبی اردکانی قرار گرفته است. نقل چکیده ای از این تقریظ به روشن شدن موضوع کمک می کند: «الحمد لله که به یمن اقبال و فر دولت بی زوال ... محمدشاه غازی ... و خواجه زمان و خلاصه دوران ... حاج میرزا آقاسی ... حکم همایون اعلیحضرت ... به عهده این بنده درگاه محمدعلی، که در این دربار معدلت مدار [به] منصب نظارت افتخار دارم و به بذل جان در این آستان اعتبار، عز صدور یافت که تاریخ پترکبیر و شرل [شارل دوازدهم] را که حسب الحکم همایون موسی جبرئیل از زبان فرنیسی به الفاظ فارسی ترجمه کرده و میرزارضاقلی تاریخ نویس حضرت شهر یاری به املاء و انشاء آن پرداخته است و تاریخ اسکندر که در زمان ولیعهد مبرور ... ترجمه شده بود به انضمام آن دو کتاب به اصلاح عبارات و ارتباط فصول و ابواب آنها پرداخته، هر سه را در يك مجلد در دارالطباعة دارالسلطنة طهران ... منطبع نمایم تا کافه ناس از تتبع وقایع ایشان بهره یاب شوند ... به تاریخ شهر رجب المُرَجَب ۱۲۶۳ شرف انطباع و اختتام پذیرفت». ^{۱۳} محبوبی اردکانی قبلاً (ص ۲۱۶) به استناد مقالات تقی زاده سال چاپ تاریخ پترکبیر را ۱۲۵۹ ه. ذکر کرده است.

با توجه به آنچه گفته شد می توان گفت که کتاب تاریخ پترکبیر در همان سالها حداقل چهاربار به چاپ رسیده بوده است، و این امر - حتی با وجود تیراژ اندک کتابها در آن زمان - غیر قابل قبول می نماید. پس از جست و جو در مخازن کتابخانه های ملی ایران، مجلس و حاج حسین آقا ملک - قبل از



انحصار نداشت، بلکه کتب جغرافیایی هم مورد نظر بود. نخستین این دسته از کتابها کتاب چین است که به سال ۱۲۶۲ ه.ق. در تبریز به دستور بهمن میرزا - پسر عباس میرزا که در آن زمان والی آذربایجان بود - از انگلیسی به فارسی درآمد. موضوع این کتاب که هنوز چاپ نشده، شرح سفارت هیأتی است که از طرف دولت انگلیس، از ژوئیه ۱۸۱۵ تا نوامبر ۱۸۱۶ (شعبان ۱۲۳۰ تا محرم ۱۲۳۲)، برای عقد قرارداد تجاری با خاقان چین، به این سرزمین سفر کرده بود و تفصیل آن را یکی از اعضای سفارت به نام آلیس نوشته و در بازگشت به لندن چاپ کرده بود. این کتاب، حدوداً سی سال پس از انتشار به وسیله ادوارد بوریس [بوریس معروف که به تشویق امیر کبیر روزنامه وقایع اتفاقیه را درآورد] به فارسی ترجمه شد و میرزا صادق خان آن را انشاء و به خطی خوش و زیبا کتابت کرد و تقدیم محمدشاه نمود.^{۱۶}

کتاب دیگر در این رشته کتابی است در جغرافیای جدید (مدرن) که به دستور میرزا تقی خان فراهانی، در دوره پیشکاری ناصرالدین میرزا ولیعهد، از ترکی استانبولی به فارسی برگردانده شده و به نام جهان نمای جدید یا جغرافیای کره شهرت یافته و هنوز همچنان به صورت خطی باقی است. این کتاب نخست از زبان اروپایی توسط جان داود مسیحی [که بعدها از طرف امیر کبیر برای استخدام معلمان دارالفنون مأمور شد] به ترکی ترجمه شد و محمدحسین دبیرالملک فراهانی آن را به فارسی درآورد.^{۱۷}

ترجمه‌های این دوره دارای ویژگیهایی هستند که در دوره‌های بعد اثر چندانی از آنها مشاهده نمی‌شود:

(۱) متن کتاب نخست توسط مترجم به فارسی برگردانده

حاشیه:

- (۱۲) تاریخ مؤسسات تمدنی جدید ...، ص ۲۲۷.
 (۱۳) تاریخ پترکبیر و شارل دوازدهم و تاریخ اسکندر، تهران، چاپ سنگی (موجود در کتابخانه ملی ایران)، مؤخره.
 (۱۴) تاریخ اسکندر، اثر جیمز کمل، - مقدمه، ص ۱، نسخه خطی کتابخانه ملی ایران.
 (۱۵) سفرنامه بولاک، ترجمه کیکاوس جهانداری، ص ۱۹۲.
 (۱۶) مجله یادگار، سال ۲، شماره ۲، ص ۸ تا ۱۸.
 (۱۷) امیرکبیر و ایران. فریدون آدمیت، تهران، خوارزمی، ۱۳۵۴، ص ۳۷۹.

ترجمه و به نظر فوض منظر گماشتگان سرکار والا رسانیده که باعث اطلاع و استحضار خاطر مبارک گردیده شود...»^{۱۴}

پس آنچه در مقاله مندرج در نگین آمده اگر جعل نباشد نوعی خلط و اشتباه است که يك نکته تاریخی آن را ثابت می‌کند و آن اینکه میرزارضا در سال ۱۲۳۰ هـ/ ۱۸۱۵ م. برای تحصیل به انگلیس رفت و در ۱۲۲۸ هـ. نمی‌توانسته است چندان بر زبان انگلیسی تسلط داشته باشد که چنان کتابی را به فارسی ترجمه کند اما این امکان هم وجود دارد که میرزارضا - سالها پیش از مهندس شدن - مُحَرَّر و جیمز کمل مترجم تاریخ اسکندر بوده‌اند. آئینه از نظر ما مُسَلَّم می‌نماید این است که مترجم اصلی کتابهای پترکبیر و شارل دوازدهم موسی جبرئیل بوده و هردو کتاب «در زبان محمدشاه ترجمه شده است».^{۱۵} این دو کتاب به تحریر مرزارضاقلی تاریخ نویس به همراه تاریخ اسکندر چاپ شده‌اند. موسی جبرئیل اصلاً یونانی بود. پس از آمدن به ایران به ستگاه عباس میرزا پیوست و پس از مرگ عباس میرزا در ستگاه محمدشاه به کار پرداخت و به دستور او چند کتاب به فارسی ترجمه کرد که تاریخ پترکبیر و شارل دوازدهم از آن جمله است.

ترجمه از زبانهای بیگانه تنها به کتابهای تاریخی و نظامی

ترجمه کرد که از میان آنها می‌توان از تاریخ ناپلئان [ناپلئون]، تاریخ اسکندر، جلوس نیکلای اول و مملکتداری او اثر بارون کورف نام بُرد.^{۱۸}

فرنگیان دیگری هم بودند که به ترجمه می‌پرداختند اما کار آنها «ترجمه حضوری» یا شفاهی بود و لذا اثر مکتوب از ایشان به‌جا نمانده است. آندره اتریشی معروف به آندره خیاط از این دسته است که پس از رسیدن معلمان اتریشی دارالفنون به تهران مدت‌ها مترجم آنان بود.

محمدشاه هم چون به سلطنت رسید به شیوه پدر خود، عباس میرزا، یک گروه پنج نفری از مُحصلان ایرانی را برای تحصیل به فرانسه فرستاد؛ حسینعلی آقا، میرزارضا، میرزایحیی، محمدعلی آقا و میرزازکی که به‌سال ۱۲۶۴ ه.ق. به ایران بازگشتند.

از این عده میرزایحیی به‌سیاست پرداخت و از رجال سرشناس شد. از حسینقلی آقا در تشکیلات قشون نام برده شده اما اطلاع چندانی از زندگی او در دست نیست. محمدعلی آقا معمولاً مترجم هیأت‌های سفارتی بود. اما میرزارضا و میرزازکی به ترجمه و تألیف پرداختند.

میرزارضا ابتدا به‌سمت مترجم در دارالفنون به‌کار پرداخت و مترجم درس معدن‌شناسی «موسیو چارنوطا» و درس طبیعی «موسیو فکتی» بود. از او ترجمه‌هایی به‌جا مانده است که از میان آنها سفر در اطراف اطاق را باید نام بُرد که قدیمی‌ترین رمان ترجمه شده به فارسی است.

میرزازکی، در بازگشت به ایران با درجه یابوری (سرگردی) در توپخانه مشغول به‌کار شد و بعدها تا درجه سرتیپی و آجوانی ناصرالدین شاه ترقی کرد. در افتتاح دارالفنون مترجم کرشیش (کرزیز؟) معلم توپخانه بود و به‌وی در تهیه نقشه تهران کمک رَد. از میرزازکی تعداد قابل توجهی ترجمه به‌جا مانده است. در واقع میرزارضا و میرزازکی هرچندکه پروردگان دوره محمدشاه بودند اما حاصل کارشان در عصر ناصرالدین شاه به‌دست آمد و آن موضوعی مفصل است که گفت‌وگو از آن به‌فرستی دیگر می‌ماند.

حاشیه:

(۱۸) همان، ص ۳۸۰.

می‌شد و پس از آن ادیبی مورخ آن را تحریر و انشاء می‌کرد، و این تقریباً مشابه کاری است که امروزه ویرایش نام گرفته است. (۲) کتابهایی برای ترجمه انتخاب می‌شد که بیشتر حاوی مطالب تاریخی و نظامی و علمی بودند. (۳) ترجمه به‌صورت آزاد انجام می‌گرفت و ظاهراً وفاداری به متن ملحوظ نبود.

(۴) بیشتر ترجمه‌ها به‌دست مترجمان اروپایی یا ارمنیان و ندرتاً یهودیان آشنا به زبان فارسی صورت گرفته است و این امر تا اواسط دوره ناصرالدین شاه ادامه داشته است. چنانکه به نوشته گوینو رساله تقریر در بیان روش تحقیق (و به قول ذکاء‌الملک فروغی: گفتار در روش درست به‌کار بردن عقل) دکارت، به‌دست یکی از یهودیان فارسی‌زبان، ترجمه شده است.

(۵) و مهمترین نکته اینکه با وجود «ترجمه آزاد» و عدم وفاداری به امانت، اغلب ترجمه‌ها صحیح و سلیس و قابل استفاده‌اند.

نهضت ترجمه بعدها تحوّل تازه‌ای پیدا کرد، به این معنی که عده‌ای از فرنگیان به دلایلی به ایران سفر کرده و در این سرزمین رحل اقامت می‌افکندند. البته سابقه این امر به عصر شاه‌عباس صفوی می‌رسد اما تا دوره قاجار اثر ترجمه‌شده‌ای از آنها ضبط نشده است. فعالترین اروپایی ساکن ایران در امر ترجمه ژول ریشار است. او در زمان محمدشاه به ایران آمد و پس از مدتی به کشورش، فرانسه، بازگشت. اما دوباره به ایران سفر کرد و ماندگار تهران شد. مسلمان گردید و رضاخان نام گرفت. رضاخان (یا ریشارخان) علاوه بر زبان مادری، زبانهای انگلیسی، ایتالیایی، اسپانیایی، آلمانی و لاتین هم می‌دانست. برای اولین بار اصول عکاسی روی صفحه نقره را به ایران آورد، و برای اولین بار در ایران بالون ساخت و به‌هوا فرستاد، و همچنین برای اولین بار - پس از زکریای رازی - الکل ساخت و نیز برای اول بار یک کشتی بخاری کوچک در تهران ساخت و در استخر قصر محمدیه، در روز سلام عید، به آب انداخت. پس از تأسیس دارالفنون به معلمی زبان آنجا انتخاب شد و تا پایان عمر یعنی سال ۱۳۰۸ ه. در این شغل باقی ماند. او کتابهایی به فارسی